

سنجش اعتبار «عمل اصحاب» در استنباط احکام فقهی

ابوالقاسم علیدوست^۱

سیدمرتضی حسینی کمال‌آبادی^۲



تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

چکیده

عمل اصحاب، از نهادهای پرکاربست در متون فقهی است که مورد پژوهش جدی قرار نگرفته است، شاید به همین دلیل، فقیهان و اصولیان درباره آن، اختلاف نظر دارند. موافقان برای این نهاد کاربست‌های زیادی قائل شده‌اند و مخالفان، دلیلی بر اعتبار این کاربست‌ها نیافته‌اند و البته گروهی به تفصیل روی آورده‌اند. حل این مسئله در گرو شناخت دقیق جایگاه اصحاب و عمل آنان است و معیار بهره‌مندی از آن، رسیدن مستنبط به اطمینان است. برای این مهم شرایطی بیان شده تا در رسیدن به اطمینان، از توهم آن‌رهایی حاصل شود. بهره‌بری از این نهاد تابعی از روش‌های استنباطی است؛ از این رو، با مکتب ریاضی سازگاری ندارد اما با مکتب تراکم ظنون یا مکتب اطمینان، سازگار است.

واژه‌های کلیدی

عمل اصحاب، اعراض، شهرت، جبر سندی، جبر دلالتی، مکتب ریاضی، مکتب تراکم ظنون، مکتب اطمینان.

۱. استاد درس خارج حوزه قم، استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول)

(ab.alidoust@gmail.com)

۲. استاد سطح عالی حوزه قم و ریاست پژوهشکده ادیب فقه جواهری (s.morteza.hk@gmail.com)

نهاد «عمل اصحاب» واژه‌های آشنا برای هر فقه پژوهی است؛ چرا که بسان نهادی کارا، در جای جای فقه و اصول امامیه از سوی فقیهان و اصولیان بلکه در دانش رجال از سوی رجالیان به کار رفته است. اما در چیستی و کارایی آن بحث و نقاش، فراوان است. از این نهاد با وجود کاربست‌های فراوانی که در میراث امامیه دارد، هیچ‌گاه در شأن آن سخن به میان نیامده است، از این رو این مصطلح رایج و دارج، جایگاه خود را از جهت معرفتی، پیدا نکرده است و در ضمن کاربست‌ها، در کشاکش رد و قبول قرار گرفته است.

در بررسی این نهاد، پرسش‌های ذیل مطرح است؟

۱. مراد از اصحاب کدام گروه است؟
 ۲. مراد از عمل یا اعراض آنان چیست؟
 ۳. دیدگاه‌ها در اطراف این نهاد کدام است؟
 ۴. این نهاد در چه مجرای مورد استفاده قرار می‌گیرد و شرایط آن کدام است؟
 ۵. آیا این بهره‌برداری را در فرآیند استنباط، حجتی پشتیبانی می‌کند؟
 ۶. نسبت این نهاد با نهادهایی چون شهرت عملی و اجماع چیست؟
- این پرسش‌ها است که نگارندگان را بر آن داشته است تا کاوشی در یافتن پاسخ به این پرسش‌ها و دقتی در آن انگاره‌ها و کشاکش‌ها داشته باشند.
- شنیدنی اینکه با وجود بسآمد این نهاد در کلمات و متون عالمان فقه و اصول، مجال گفتگوی واسع در اطراف آن، همچنان وجود دارد؛ چنانکه زمینه نوآوری گسترده در پیوند با آن نیز میسر است. ادامه مقاله از این دو ادعا پرده برمی‌دارد.

۱. مفهوم‌شناسی «عمل اصحاب»

واژه «عمل اصحاب»، از آنجا که واژه‌های ترکیبی و مصطلح فقیهان و اصولیان است، به مفهوم‌شناسی عرفی و لغوی نیازی ندارد، آنچه مهم است آن است که کاربران این اصطلاح در مراد از آن، چه گفته‌اند و به کدام معنا به قرار رسیده‌اند. تا آنجا که جستجوی نگارندگان گواهی می‌دهد، با وجود کثرت بهره‌بری از این اصطلاح، بیان در معناشناسی آن، بسیار اندک است، شاید آن را به وضوح معنایش واگذار کرده‌اند، ولی یکی از محشین کفایة الاصول به



این مسئله ورود کرده و معنایی را ارائه کرده است که احتمال وضوح را با تردید مواجه می‌کند، وی بر آن است که مراد از «عمل اصحاب» عمل خارجی نیست، بلکه مراد اعتنا و ملاحظه شمول روایت یا قاعده بر محل نزاع است، هر چند به علت وجود دلیل اقوی، به این روایت یا قاعده عمل نکرده باشند، لکن همین که ملاحظه و اعتنایی به قاعده یا روایتی داشته‌اند تا آنجا که آن را به صحنه تعارض -هرچند تعارض بدوی- کشیده‌اند؛ حاکی از عمل اصحاب به آن سند است، لذا مراد از عمل اصحاب، مجرد اعتنا است نه عمل فعلی (قوچانی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۵۳ و ۳۵۴).



برخی دیگر نیز در کارایی جبران سندی روایت به واسطه عمل اصحاب، عمل آنان به همه موارد را لازم نمی‌بینند بلکه عمل فی الجملة اصحاب را در جبران سند کافی می‌دانند (کاظمی (مقرر)، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸). برخی در دایره اصحاب نیز تصرفی دارند و عمل اصحاب را با عمل بعضی یا جماعتی از آنان کافی می‌دانند (انصاری، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۲۲۰). در کفایت عمل بعض از اصحاب، شرط عدم مخالف هم بیان شده است (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۵/حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰).

هدف از نقل دیدگاه‌های بالا، رفع توهم اطلاق گرایی در واژه «عمل» و «اصحاب» در همه دیدگاه‌ها و بیان اختلاف در این مصطلح است. اختلاف دیدگاه در نهادی که از نصوص دینی، پشتیبان ندارد، به بنیان‌های نظری این نهاد باز می‌گردد، از این رو در ادامه، پژوهش را بر بنیان‌های نظری این نهاد متمرکز کرده و سخن در معنا و گستره عمل اصحاب را به مراحل بعدی این پژوهش وا می‌گذاریم.

با توضیحی که در این شماره ارائه گردید، معلوم شد که نهاد «عمل اصحاب» الزاما با «شهرت عملی توسط اصحاب» متفاوت است و نسبت این دو نهاد مفهوماً تباین و مصداقا عام و خاص من وجه است.

به عبارت دیگر:

عمل اصحاب چنانکه در ادامه روشن خواهد شد با مشهور متفاوت است. این تفاوت را معنای «عمل» و در گستره صدق «اصحاب» و تعداد اصحاب می‌توان پیگیری کرد. عمل اصحاب کارایی خود را دارد، هرچند نام مشهور بر آن صدق نکند. از این رو میان عمل اصحاب و مشهور تفاوت ماهوی وجود دارد، هرچند در بنیان‌های نظری در حجیت و عدم

حجیت همسو باشند.

۲. دیدگاه‌ها در باره تأثیر این نهاد

درباره آثار این نهاد سه دیدگاه بیان شده است، بدین قرار:

الف) دیدگاه مشهور

مشهور فقیهان و اصولیان - چنانکه از کاربست‌های آن در کتب فقهی و صریح بیان‌های اصولی بر می‌آید، - بر آن هستند که عمل اصحاب هم جابر است و هم کاسر. بدین معنی که کاستی در سند یا دلالت نصوص با عمل اصحاب، بر طرف می‌شود و دلالت نصوص، اگر با اعراض اصحاب مواجه شود، در آن دلالت، قدح و کسر ایجاد می‌شود و ظهور مفروض آن شکسته می‌شود. البته چنانکه در مفهوم‌شناسی بیان شد و در ادامه خواهد آمد، در کاربست‌ها و شرایط عمل به این نهاد میان مشهور اختلاف است (کاظمی (مقرر)، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۴۵؛ عاملی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۸۴ و...).

ب) دیدگاه عدم قبول

برخی از اصولیان بر آن هستند که عمل اصحاب، نه توان جبران دارد و نه توان کسر. این نهاد هیچ نوع کارایی ندارد و سندی پشتیبانش نیست مگر آنکه به حد اجماع و یا نهاد شناخته شده دیگری برسد. (حلی، ۱۴۳۲، ج ۱۰، ۴۵۰/ بهسودی (مقرر)، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۴۳/ کمره‌ای، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۹/ طباطبائی قمی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۸/ مسلم سرابی (مقرر)، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۸ و ۸۹).

ج) دیدگاه تفصیل

برخی از معاصران بر آن هستند که عمل اصحاب، کاسر و مضعف است، ولی جابر نیست (میلانی (مقرر)، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۴۰۰).

۳. ادله دیدگاه‌ها

از آنجا که در حجیت، اثر گذاری و اعتبار و عدم حجیت نهادی در کشف شریعت و امور پیرامون آن، اصل بر عدم اعتبار است و اثرگذاری آن نیازمند دلیل است، نافین، برای اقامه دلیلی خاص، ضرورتی ندیده‌اند و عدم وجود دلیلی مورد قبول را بهترین دلیل بر عدم حجیت و عدم اعتبار آن دانسته‌اند، با این وجود سیری کوتاه در کلمات آنان مفید است.



۱-۳. ادله مخالفان

سخنان مخالفان گوناگون است، برخی به اصل این نهاد و برخی، کاربرستی خاص را مورد نظر قرار داده و آن را نقد کرده‌اند، برخی از بیان‌ها در این باره را پی می‌گیریم:

۱-۱-۳. بعد از آنکه در دانش اصول فقه، نهادی به عنوان «شهرت» از حجیت برخوردار نیست، نهادی به عنوان عمل اصحاب اگر مترادف با شهرت باشد، همان حکم را دارد و اگر مکانتی پایین‌تر از آن داشته باشد که چنین است، به طریق اولی حجت نخواهد بود. (مسلم سرابی (مقرر)، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۸ و ۸۹).

۲-۱-۳. در کاربرست کاسر بودن عمل اصحاب، گفته شده: روایتی صحیح السند و صحیح الدلالة را فرض کنید که دالالت بر حرمت ترک عملی دارد، چنین روایتی اگر مورد مخالفت اصحاب قرار بگیرد، ظن حاصل از این مخالفت، تحت عنوان حرمت عمل به ظن باقی می‌ماند و دلیلی بر خروج آن نیست (همان).

۳-۱-۳. اساساً شریعت بر بیان شارع متوقف است و این اصلی بنیادین است، پس به چه دلیلی بعد از بیان شارع، بتوان به عمل برخی مکلفان اعتماد کرد؟ (همان).

۴-۱-۳. عمل اصحاب، اگرچه به معنای شهرت عملی اصحاب نیز باشد، فی حد نفسه حجت نیست و کنار هم آمدن آن با روایتی که حجت نیست، ضمیمه کردن لاحجتی به لاحجتی است و روشن است که حجت از میان دو لاحجت برنمی‌خیزد (مروجی قزوینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۹۶). محقق، اصل در بیان این دیدگاه در فقه و اصول است (ر.ک: بهسودی (مقرر)، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۲).

۲-۳. ادله موافقان

موافقان بر خلاف مخالفان، عمل اصحاب را مرجحی قوی می‌دانند و برخی برآن هستند که با این نهاد می‌توان عام قرآنی را تخصیص زد (سبزواری، بی‌تا، ج ۱، ۱۴۹).

در فقه و اصول بهره‌ای فراوانی از این نهاد برده شده است و هریک از این بهره‌ها، نوعی کاربرست برای این نهاد رقم زده است، ادله‌ای که ذیل این کاربرست‌ها بیان شده است، گاه متوجه همان کاربرست در همان مورد خاص است و از مطلق کاربرد این نهاد پشتیبانی نمی‌کند. توجه به این نکته از آنجا ضروری است که اشکال اخص بودن دلیل از مدعا خود را نشان





ندهد، با وجود این در میان کلمات، سخنانی نیز یافت می‌شود که می‌تواند از بنیادهای نظری اصل این نهاد - بدون قرار گرفتن در تنگنای کاربردی خاص - باشد؛ برای نمونه:

۳-۲-۱. عمل اصحاب، از آن جهت مورد مراجعه قرار می‌گیرد که حاکی از أخذ آنان از ائمه علیهم‌السلام است (کاظمی (مقرر)، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸).

۳-۲-۲. عمل اصحاب و حتی برخی از آنان، بهترین و قویترین قرینه است که به آنان سندی محکم رسیده است و به وفق آن عمل کرده‌اند و آن سند بر ما مخفی مانده است (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۴۵، عاملی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۸۴).

۳-۲-۳. عمل اصحاب از باب ظن نوعی حجت است.

دو مورد اول را می‌توان به یک سخن برگرداند و آن اینکه عمل اصحاب مانند اجماع به خودی خود حجت نیست، مگر آنکه کاشف از سنت باشد، آنچه مهم است این است که این گروه، ظرفیت کشف سنت را در عمل اصحاب می‌بیند.

۴. کارکردهای نهاد عمل اصحاب، دیدگاه‌ها و ادله

همان‌طور که گذشت، فقیهان در موارد گوناگونی از این نهاد بهره برده‌اند و ادله‌ای را ذیل این موارد اقامه یا نقد کرده‌اند، نگارندگان درصدد جست و جو از تمام موارد کاربرست‌ها نبوده‌اند، ولی آنچه از جستجوی طولانی به دست آمده است، کاربرست‌های ذیل است:

۴-۱. اعتضاد

از نهاد عمل اصحاب در اعتضاد مفاد ادله، بهره بری شده است. اعتضاد به معنای یاری و مدد کردن است. مراد فقیهان از به کار بردن این واژه، گاه جبران کاستی دلیل است، این کاربرست را در عنوانی جدا بیان خواهیم کرد، گاه تأییدی بر مفاد دلیل سابق است مانند فرد توانمندی که دیگری بازوی او را می‌گیرد تا کار را راحتتر انجام دهد در حالی که بدون این مدد نیز او بر فعل خود تواناست. مراد ما از به کار بردن واژه «اعتضاد» در این مقام، این نوع از تأیید است. صاحب ریاض در مسئله‌ای از باب مضاربه می‌فرماید:

«و هذه النصوص مع اعتبار أسانیدها، و استفاضتها، و اعتضادها بعمل الأصحاب من غیر خلاف يعرف...» (طباطبائی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۶۰۷).

۲-۴. اعراض

گاه عمل اصحاب در تضعیف یا کنار زدن روایتی، مؤثر است، از این کار بست به اعراض اصحاب نیز تعبیر می‌شود. این اعراض وقتی با عنایت شکل بگیرد، نوعی از عمل و رفتار است، هر چند عمل سلبی است.

شیخ انصاری عدم عمل اصحاب به ظاهر صحیحہ ابن محبوب را، موجب ضعف صحیحہ دانسته است (انصاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ۳۱۲). شارح دروس می‌نویسد: «وَأَمَّا فِي الثَّانِي فَلَانَهُ وَإِنْ كَانَ صَحِيحًا لَكِنْ عَدَمُ عَمَلِ الْأَصْحَابِ بِمُضْمُونِهِ مِمَّا يَضْعِفُ التَّعْوِيلَ عَلَيْهِ» (خوانساری، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۶) وحید بهبهانی پس از نقل دو روایت صحیحہ می‌نویسد: «وَهُمَا وَإِنْ كَانَ صَحِيحَيْنِ، إِلَّا أَنَّ عَدَمَ عَمَلِ الْأَصْحَابِ بِهِمَا يُوجِبُ شَذُوذَهُمَا، وَوَرَدَ عَنْهُمْ عَلَيْهِ: الْأَمْرُ بِتَرْكِ الشَّاذِّ، وَالْأَصْحَابُ أَيْضًا مُتَّفَقُونَ عَلَى تَرْكِ الْعَمَلِ بِمَا هُوَ شَاذٌّ، يَظْهَرُ ذَلِكَ عَلَى الْمُطَّلِعِ الْمُتَتَبِّعِ» (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۵۵). موارد استفاده از این کارآیی در فقه، بسیار است.

۳-۴. هزیمت

هزیمت در مقابل اعتضاد است، و مراد از این کاریست آن است که گاه سندی خود ضعیف است و مفاد آن نیز مخالف عمل اصحاب است، این مخالفت، موجب ضعف بیشتر آن را فراهم می‌آورد. به عنوان نمونه شیخ انصاری می‌فرماید: «فَتَكُونُ الرِّوَايَةُ مَعَ ضَعْفِهَا مُخَالَفَةً لِعَمَلِ الْأَصْحَابِ فَتَقْصُرُ عَنْ إِفَادَةِ الْحَرَمَةِ وَالْفُسَادِ» (انصاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۵۱).

۴-۴. تعیین گستره دلالت عام و آسیب‌شناسی مهم در این باره

برخی از فقیهان، از نهاد عمل اصحاب در تعیین گستره دلالت عام سخن به میان آورده‌اند، معمول این موارد به این گونه است که از عمل به عموم دلیلی عام یا قاعده‌ای، محذور شرعی و تالی فاسدی پیش می‌آید، در عین حال بر تعیین گستره آن دلیل و قاعده، دلیلی وجود ندارد، در این مواقع برای جلوگیری از این محذور، به عمل اصحاب پناه برده می‌شود. نمونه‌ای از این بهره‌بری‌ها را ذیل قاعده لاضرر (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۶، ص ۲۲۰)، قاعده میسور (کاظمی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸)، قاعده قرعه (آشتیانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۸)





و قاعده جب (شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۲۸۹) می‌توان دید. برای نمونه شیخ انصاری می‌فرماید:

«انَّ التَّمَسُّكَ بِعَمُومِ «نَفْيِ الضَّرَرِ» فِي مَوَارِدِ الْفَقْهِ مِنْ دُونِ اِنْجِبَارِهِ بِعَمَلِ بَعْضِ الْأَصْحَابِ يُؤَسِّسُ فَقْهًا جَدِيدًا» (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۶، ص ۲۲۰). در واقع در صحن استنباط از طرفی با سندی عام مواجه می‌شویم و از طرفی دیگر می‌دانیم که این عام مورد نظر شارع مقدس نبوده است و مطمئناً قرائنی در میان بوده است که به دست ما نرسیده است. در اینجا است که عمل اصحاب، دستگیر مجتهد می‌شود تا در طریقی امن، پیش برود.

به عنوان مثال و مطابق رای شیخ انصاری که قاعده عام "لا ضرر" دال بر نفی حکم ضرری است، باید این مفاد را با عمل اصحاب مهار کرد و گفت:

احکامی که از اجرای آنها ضرری متوجه مکلف می‌شود منتفی است؛ البته به شرطی که این انتفا را عمل اصحاب نیز همراهی کند؛ نظیر نفی وجوب وضو، غسل و روزه.

گذشته از اینکه درباره این نهاد، در پایان این پژوهش به چه نتیجه‌ای می‌رسیم، آسیبی بزرگ در استفاده از این کاربست وجود دارد و آن اینکه عدم دقت در تحلیل سند عام و برداشت ناصحیح از آن نباید ما را در تعیین گستره آن به عمل اصحاب و مانند آن نیازمند کند. به عنوان نمونه، نگارندگان این مقاله با تحلیل مشهور از مفاد روایات "قاعده لا ضرر" مخالف هستند گذشته از بیان تفصیلی چرایی این مخالفت که خارج از مسئله تحقیق حاضر است یکی از آسیب‌هایی که تحلیل مشهور در برداشت از حدیث لا ضرر دارد آن است که در گستره و شمول این قاعده دچار مشکل شده و برای حل آن به عمل اصحاب تمسک بسته‌اند در حالیکه اگر به تحلیل صحیح درباره این قاعده می‌رسیدند نیازی به این تمسک نبود. با این توضیح که نفی حکم ضرری در اسلام امتیازی برای شریعت شمرده نمی‌شود و در جعل آن - که قهراً مستلزم حرمان از آثار احتمالی خوب دنیوی و آثار قطعی اخروی آن است - چه لطفی بر بندگان است؟ آنچه امتیاز به حساب می‌آید و در آن منت بر مکلفان است، نفی حکم مفسده‌آور است نه حکم ضرری. شریعت همیشه به دنبال تحصیل مصلحت و پرهیز دادن از مفسده در حق بندگان است اعم از اینکه ضرری را متوجه آنان بسازد یا نه. آری! آنچه برای یک مکتب امتیاز به حساب می‌آید و موجب منت بر مکلفان است، این است



که اجازه اضرار را به هیچ کس علیه دیگری ندهد؛ همچنین حکمی که موجب ضرر دیدن شخصی به خاطر دیگری شود، جعل نشود. اما اینکه انسان‌ها در تکالیف الهی متحمل ضرر نشوند هرچند سر تا پا مصلحت آنان باشد، امتیاز به حساب نمی‌آید. به عبارت دیگر، مشهور عدلیه قوانین را تابع مصالح و مفاسد می‌دانند نه تابع ضرر داشتن و نداشتن. مصلحت و مفسده باید در کسر و انکسار دیده شود؛ از این رو انجام بسیاری از احکام ضرری دارای مصلحت است؛ همان‌طور که بسیاری از احکام منفعت‌دار، موجب مفسده است. با این تفسیر از حدیث نفی ضرر، می‌توان از حدیث در جای خود بهره برد، بدون اینکه شبهه تخصیص اکثر و مانند آن پیش بیاید و برای حل آن به عمل اصحاب نیاز شود.

نمونه دیگر از استمداد نا به جا از نهاد عمل اصحاب، استمداد بدان در عمل به ادله قرعه است. شیخ انصاری به تبع صاحب فصول (اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۶۲) بر آن است که «أن أدلة القرعة لا يعمل بها بدون جبر عمومها بعمل الأصحاب أو جماعة منهم» (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۳۸۶). توضیح اینکه برخی برای ادله قرعه اطلاق و عمومی قائلند و از طرفی قرعه را ایستگاه آخر می‌دانند؛ از این رو قائل شده‌اند که به قاعده قرعه در مواردی عمل می‌شود که اصحاب یا جمعی از ایشان در آن موارد، به قرعه عمل کرده باشند. محقق عراقی این درگیری قرعه با نهادهای دیگر را عویصه می‌داند و می‌گوید: «ولكن الانصاف ان تشخيص موارد القرعة عن موارد جریان الاحتياط والتخير وقاعدة العدل والانصاف في غاية الاشكال و لنعم ما قيل من أنه لا يجوز العمل بالقرعة الا في مورد عمل الأصحاب بها» (بروجردی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۰۷).

این در حالی است که ادله قرعه از عموم یا اطلاقی چنان، برخوردار نیست؛ زیرا قرعه برای وقت جهل مستقر و وجود شبهه است و با وجود راهکارهای قانونی دیگر (نظیر مواردی که امارات، اصول عملیه بدون تعارض یا قانون عدل و انصاف وجود دارد)، جهل و شبهه‌ای وجود ندارد تا نوبت به ادله قرعه برسد؛ از این رو این ادله در غیر ایستگاه آخر، اقتضای اعتبار برای عمل ندارد تا با مشکلی مواجه شویم و برای حل آن به عمل اصحاب، نیازمند شویم. بنابراین، بدون اینکه لازم یا صحیح باشد که از نهاد عمل اصحاب در این مورد، استفاده کنیم،



زمانی به قرعه عمل می‌کنیم که برای حل مشکل، راهی به جز آن نباشد، همان‌طور که میان عقلا نیز این روش وجود دارد.

۴-۵. ترجیح در جمع روایات

گاه میان روایات، تعارضی - بدوی یا مستقر - رخ می‌دهد و برای از میان برداشتن این تعارض، باید از مرجحات استفاده کرد، یکی از این مرجحات عمل اصحاب است. محقق سبزواری در جمع بین دو روایت با وجود آنکه اقرب جمع‌ها را راه دوم میدانند، ولی عمل اصحاب به احتمال نخست را مانعی برای احتمال اقرب بر می‌شمارد. سخن وی چنین است:

«الجمع بین هذه الرواية و الرواية السابقة ممكن بوجهين أحدهما حمل المطلق على المقيد و ثانيهما حمل حسنة معوية على الاستحباب و لعل الثاني أقرب الا ان عمل الأصحاب يعضد الأول» (سبزواری، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۲۰).

۴-۶. جبران ضعف راوی و ضعف سند روایت یا ارسال آن

گاه سند روایتی از نظر رجالی دچار آسیب است، برای نمونه سماعه از آنجا که واقفی است، ضعیف شمرده می‌شود، اما محقق حلی، عمل اصحاب به مضمون روایتش را موجب جبران دانسته است (حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۹). بر این اساس اگر در یک راوی، از نظر رجالی مشکلی وجود داشت، اما رصد مجموعه روایات نقل شده از او در مواجهه اصحاب با روایات وی، ما را بدانجا رساند که اصحاب، به روایات این فرد عمل می‌کنند، در اینجا ضعف راوی، به عمل اصحاب جبران می‌شود. این شیوه، اکتفا به کتاب‌های رجالی را کنار می‌گذارد و بر آن است که صرف عدم مدح یا قدحی از سوی رجالیون، با موج اعتماد اصحاب، توان مقابله ندارد، البته میزان مخالفت رجالیان و میزان عملکرد اصحاب، باید به گونه‌ای باشد که مجتهد را به اطمینان یا گمان (بنابر فرض اعتبار آن در این ساحت) برساند. کارایی دیگر عمل اصحاب در جبران ضعف سند، این است که با عمل اصحاب به روایتی، ضعف سندی آن روایت، جبران می‌شود، در نتیجه به آن روایت عمل می‌شود، در این مورد جبران ضعف سند آن روایت می‌شود نه جبران ضعف روایان آن؛ از این رو ضعف وجود آنان را در سایر اسناد جبران نمی‌کند، برخلاف کارایی گذشته که این فایده را داشت. محقق نائینی

می‌فرماید: در جبر سندی، نیاز به عمل به همه موارد نیست، بلکه عمل فی الجملة و هر چند در یک مورد نیز باشد، جابر است (کاظمی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸).

گونه دیگر جبر ضعف سند این است که برخی روایات، سند ندارد و با مشکل ارسال روبه‌رو است، ولی برخی فقیهان با عمل اصحاب به مفاد آن، مشکل سندی را بر طرف می‌کنند، شیخ مرتضی حائری می‌نویسد: «و إشکال الارسال فی الروایة مندفع بعمل الأصحاب به و الفتوی علی طبقه» (حائری، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۹۳).

۷-۴. جبر دلالتی

اینکه عمل فقها به روایتی که دلالت آن ضعیف است، سبب تقویت دلالت آن می‌گردد یا نه؟ محل بحث و اشکال است.

برخی - در مقابل کسانی که عمل اصحاب را مطلقاً موجب جبر ضعف دلالت می‌دانند یا نمی‌دانند - بر آن هستند که عمل اصحاب باید به روایت استناد داشته باشد، تا بتواند ضعف دلالت را جبران کند و اینکه عمل اصحاب وجود داشته باشد ولی به روایت ضعیف الدلالة مستند نباشد، نمی‌تواند جبر دلالتی را صورت دهد. صاحب بدائع الافکار در این باره می‌نویسد:

«أما جبر الدلالة فمورده ما لو كان اللفظ غير ظاهر في شيء و كان مشهوراً فلا إشكال في عدم الجبر و عدم اعتبار ذلك لأن الشهرة الخارجية لا توجب صيرورة اللفظ من الظواهر نعم لو استندوا إليه أمكن كشف ذلك عن قرينة مفهومة» (رشتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۱).

شیخ انصاری نیز بر این مهم تأکیدی دقیق دارد، بدین قرار:

«بل ربما لا تكون الأمانة موجبة للظن بمراد الشارع من هذا الكلام، غايته إفادة الظن بالحكم الفرعي، و لا ملازمة بينه و بين الظن بإرادته من اللفظ، فقد لا يريده بذلك اللفظ. نعم، قد يعلم من الخارج كون المراد هو الحكم الواقعي، فالظن به يستلزم الظن بالمراد، لكن هذا من باب الاتفاق. و مما ذكرنا يظهر: أن ما اشتهر - من أن ضعف الدلالة منجبر بعمل الأصحاب - غير معلوم المستند، بل و كذلك دعوى انجبار قصور الدلالة بفهم الأصحاب لم يعلم لها بينة والفرق: أن فهم الأصحاب و تمسكهم به كاشف ظني عن قرينة على المراد، بخلاف عمل الأصحاب، فإن غايته الكشف عن الحكم الواقعي الذي قد عرفت أنه لا يستلزم





گونه مرادا من ذلك اللفظ» (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵۸۷).

شیخ انصاری در مکاتبه علی بن مهزیار - با این که ظهور مکاتبه را در وقف غیر تام و منقطع می‌پذیرد - با فهم اصحاب، خلل مکاتبه را در دلالت بر وقف ابدی و تام، جبران شده می‌داند و می‌نویسد: «إلا أن يصلح هذا الخلل و أمثاله بفهم الأصحاب الوقف المؤبد التام» (همان، ج ۴، ص ۱۰۰).

بر این اساس، هر گاه اصحاب از متنی خاص، فهمی ویژه داشتند (که چه بسا مطابق ظاهر آن لفظ نباشد) و به آن فهم تمسک کرده باشند مثلاً به آن فتوا بدهند، این فهم و تمسک حاکی از این است که قرینه‌ای ملفوظ یا غیر ملفوظ در میان بوده است.

جمع بندی

آنچه در مرحله بیان رأی مختار و جمع بندی می‌توان گفت:

۱. عمل اصحاب به خودی خود، حجت نیست و نمی‌تواند، کاشف از حکم شریعت باشد؛ زیرا سندی پشتیبان برای حجیت ندارد.
۲. عمل اصحاب اگر کاشف از اسناد معتبر از حکم شریعت باشد - که به دست ما نرسیده است و به دست اصحاب رسیده است - می‌تواند در کشف حکم شریعت مدد رساند.
۳. در کارایی عمل اصحاب، میان فقیهان اختلاف است و در این باره حداقل سه نظر به منصفه ظهور رسیده است.
۴. گستره «اصحاب» نمی‌تواند تمام فقیهان در دوره‌های گوناگون را در بر گیرد، بلکه منحصر است به اصحاب ائمه علیهم‌السلام و فقیهان متقدم که احتمال دست داشتن آنان بر سندی که به دست ما نرسیده است، در حق آنان روا باشد. متناسب با این اندیشه برخی قید «اقدامین» را به عمل اصحاب افزوده‌اند (قدسی (مقرر)، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۸۳).
۵. در وصول سندی به اصحاب و توجه آنان به مطلبی که بر ما مخفی است، صرف احتمال کافی نیست، بلکه در این مهم باید به اطمینان و ظن معتبر یا بهترین راه ممکن رسید. براین اساس، چنانکه برخورد تعبدی با نهاد عمل اصحاب ناصحیح است، برخورد ریاضی وار و تنزل آنان در سر حد مکلفان صرف، ناصحیح است. چنانکه تعداد اصحاب صاحب عمل نیز در این مسئله شرط نیست.

۶. البته نمی‌توان سخن از اطمینان گفت و از عوامل اطمینان زدا سخن نگفت، برای

نمونه:

الف) عمل اصحاب نباید مخالفی از اصحاب داشته باشد (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۵) و به تعبیری دیگر هیچ گونه رادی بر آن وجود نداشته باشد (حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰).

ب) عمل اصحاب، هنگامی که به عنوان سنجه ترجیح به کار بسته می‌شود، نباید مدرکی باشد، شیخ انصاری در این باره می‌فرماید: «موافقة عمل الأصحاب لا یصیر مرجحاً بعد العلم بانحصار مستندهم فی عموم أدلة الشروط، كما يظهر من کتبهم» (انصاری، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۵۲). همچنین گفته شده: «اما عمل الاصحاب و فهمم بعد الاطلاع علی ضعف مدرکهم لا شهادة و لا حجية فيه» (موسوی قزوینی (مقرر)، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱). برخی از معاصران، محتمل المدرک بودن عمل اصحاب را نیز قاذح دانسته‌اند (قدسی (مقرر)، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۴۹۳).

۷. بر اساس آنچه تا کنون گفته آمد، نهاد عمل اصحاب با نهاد شهرت، فرق دارد؛ از این رو سخن برخی که عمل اصحاب را همان شهرت فتوایی می‌داند، (حسینی روحانی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲۶۱) حداقل موافق سخنان عموم فقیهان نیست، ولی می‌توان گفت: آنان که از عمل اصحاب با شرایط خاص خود، در استنباط بهره می‌برند، از شهرت با رعایت موازین به طریق اولی بهره خواهند برد.

۸. با در نظر گرفتن روش اجتهاد، می‌توان گفت: عمل اصحاب در اندیشه ریاضی (مکتب اجتهادی مثل محقق خوئی) مجالی برای بهره‌بری ندارد و بر عکس در مکتب تراکم ظنون و مکتب اطمینان که در فقه امامیه، غالب است، می‌تواند ظهور و بروز داشته باشد. از این رو برخی بر این مهم تأکید کرده‌اند که عمل اصحاب در تصحیح سند با مبنای خبر موثوق الصدور سازگار است نه خبر ثقه (حاج عاملی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۳۲۷).

۹. کارکردهای ایجابی و سلبی عمل اصحاب، عبارتند از: اعتضاد، هزیمت، تعیین گستره دلالت عام، ترجیح در جمع روایات، جبران ضعف راوی یا ضعف سند و ارسال، جبران دلالتی.



۱۰. برخی از عناوین همسو با عمل اصحاب، مانند ارتکاز اصحاب، شهرت و... که در متون فقهی موجود است، با وجود اینکه شایسته پژوهش‌های مستقل است، در بنیانهای نظری با عمل اصحاب یکی هستند.



منابع

۱. آشتیانی، محمد، حاشیة على دررالفوائد، قم: ناشر مولف، بی تا.
۲. اصفهانی حائری، محمد حسین، الفصول الغروية فی الاصول الفقهية، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۳. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۲۸ق.
۴. _____ المكاسب؛ ج. دوم، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
۵. بروجردی، محمدتقی (مقرر)، نهاية الافکار، تقرير دروس آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی، قم، ۱۴۱۷ق.
۶. وحید بهبهانی، محمد باقر، مصابيح الظلام فی شرح شرايع الاسلام، قم: موسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی، ۱۴۲۴.
۷. جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۸. حائری، مرتضی، کتاب الخمس، قم: جامعه مدرّسين.
۹. حاج عاملی، محمد حسین (مقرر)، ارشاد العقول الى مباحث الاصول، تقرير دروس آیت الله سبحانی، قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۶ق.
۱۰. حسینی روحانی، محمد صادق، زیادة الاصول، تهران: نشر حدیث دل، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. حسینی شیرازی، سید صادق، بیان الاصول، قم: دارالانصار، ۱۴۲۷ق.
۱۲. حسینی میلانی، سیدعلی (مقرر)، تحقیق الاصول، تقرير دروس آیت الله وحید خراسانی، قم: نشر الحقائق، ۱۴۲۸ق.
۱۳. الحلّی، ابوالقاسم جعفر بن حسن؛ المعتمد فی شرح المختصر؛ قم: مجمع الذخائر الاسلامیة، بی تا.
۱۴. حلّی، حسین، اصول الفقه، قم: مكتبة الفقه و الاصول المختصة، ۱۴۳۲ق.
۱۵. خوانساری، حسین بن محمد، مشارق الشموس فی شرح الدروس، بی جا، بی تا.
۱۶. خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، موسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. رشتی، میرزا حبیب الله، بدائع الافکار، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، بی تا.
۱۹. سبزواری، محمد باقر، ذخيرة المعاد فی شرح الارشاد، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، بی تا.
۲۰. سراپی تبریزی، مسلم (مقرر)، المحاکمات بین الاعلام، تقرير دروس شیخ عبدالنبي عراقی، مطبعة قم.
۲۱. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ق.





۲۲. طباطبائی قمی، سید تقی، *ثلاث رسائل*، تهران: نشر محلاتی، ۱۳۶۲ ش.
۲۳. عاملی، حسن محمد فیاض، *شرح الحلقة الثالثة*، بیروت: دارالمصطفی لاحیاء التراث، ۱۴۲۸ ق.
۲۴. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۲۵. قدسی، احمد (مقرر)، *انوار الاصول*، *تقرير دروس آیت الله مکارم شیرازی*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۸ ق.
۲۶. قوچانی، علی، *تعليقة القوچانی على كفاية الأصول*، بی جا، مطبعة ستاره، ۱۴۳۰ ق.
۲۷. الکاظمی الخراسانی، محمدعلی؛ *فوائد الاصول*؛ (تقرير دروس آیت الله میرزامحمد حسین نایینی)؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. کمره ای، محمدباقر، *اصول الفوائد الغروية*، بی تا، بی نا، بی جا.
۲۹. مروجی قزوینی، علی، *تمهید الوسائل فی شرح الرسائل*، قم: نشر جامعه مدرسين، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. موسوی قزوینی، سید ابراهیم (مقرر)، *ضوابط الاصول*، *تقرير دروس آیت الله محمد شریف (شريف العلماء مازندرانی)*، قم: ناشر مولف، ۱۳۷۱ ش.
۳۱. نجاشی، احمد بن علی، *الرجال*، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۶۵ ش.
۳۲. واعظ حسینی بهسودی، سید محمد سرور (مقرر)، *مصباح الاصول*، (تقرير دروس آیت الله سید ابوالقاسم خونی)، قم: مکتبه داورى، ۱۴۲۲ ق.
33. Al-Helli, A. J. H. (n.d.). *Al-Motabar fi sharh al-Mokhtasar*. Qom: Majma' Al-Zakhaer Al- Islamiyah Publishing House. (in Arabic).
34. Al-Kazemi Al-Khorasani, M. A. (1983). *Fawaed al-Osoul* [The compilation of the lessons of Ayatollah Mirza Mohammad Hossein Naeini's classes]. Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic).
35. Ameli, H. M. F. (2007). *Sharh al-Hajghah al-Thaalethah*. Beirut: Dar Al-Mustafa Al-Ehya Al-Tarath. (in Arabic).
36. Ansari, M. (2007). *Faraed al-Osoul*. Qom: Majma Al-Fekr Al-Islami Publishing House. (in Arabic).
37. Anonymous. (2001). *Al-Makaseb*, (2nd ed.). Qom: Majma Al-Fekr Al-Islami Publishing House. (in Arabic).
38. Ashtiani, M. (n.d.). *Hashiyeh ala dor al-Favaed*. Qom: Author. (in Arabic).
39. Boroujerdi, M. T. (1996). *Nehayah al-Afkar* [The compilation of the lessons of Ayatollah Agha Zia-ud-din Iraqi's classes]. Qom. (in Arabic).
40. Dehkoda, A. A. (n.d.). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian).



41. Esfehiani Taheri, M. H. (1983). *Al-Fosoul al-Qaraviah fi al-Osoul al-Feqhiah*. Qom: Dar Al- Ehya Al-Olum Al-Islamiah Publishing House. (in Arabic).
42. Fazel Abi, H. A. T. (1996). *Kashf al-Romouz fi sharh al-Mokhtasar al-Nafe'*. Qom: Office of Islamic Publishing House. (in Arabic).
43. Haeri, M. (n.d.). *Ketab al-Khoms*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic).
44. Haj Ameli, M. H. (2005). *Ershad al-Oghoul ela mabaheth al-Osoul* [The compilation of the lessons of Ayatollah Sobhani's classes]. Qom: Imam Sadegh (A.S) Institute. (in Arabic).
45. Helli, H. (2010). *Osoul al-Fiqh*. Qom: Maktab Al-Fiqh wa Al-Osoul Al-Mokhtasah Publishing House. (in Arabic).
46. Hosseini Milani, S. A. (2007). *Tahghigh al-Osoul* [The compilation of the lessons of Ayatollah Vahid Khorasani's classes]. Qom: Al-Haghaegh Publishing House. (in Arabic).
47. Hosseini Rouhani, M. S. (2003). *Zobdah al-Osoul*. Tehran: Hadith-e Del Publishing House. (in Arabic).
48. Hosseini Shirazi, S. S. (2006). *Bayan al-Osoul*. Qom: Dar Al-Ansar Publishing House. (in Arabic).
49. Jabaie Ameli, Z. (Shahid Thani). (1992). *Masalak al-Afham al-Tanqih Sharia al-Islam*, Qom: Al-Maaref Al-Islamiyah Institute. (in Arabic).
50. Kamarei, M. B. (n.d.). *Osoul al-Fawaed al-Qarawiah*. (in Arabic).
51. Khansari, H. M. (n.d.). *Masharegh al-Shomous fi sharh al-Dorous*. (in Arabic).
52. Khansari, S. A. (1984). *Jame' al-Madarek fi sharh al-Mokhtasar al-Nafe'*, (2nded.). Qom: Ismailian Institute. (in Arabic).
53. Moraveji Qazvini, A. (1989). *Tamhid al-Vasael fi sharh al-Rasael*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Publishing. (in Arabic).
54. Mousavi Qazvini, S. E. (1992). *Zawabet al-Osoul* [The compilation of the lessons of Ayatollah Mohammad Sharif (Sharif al-Olama Mazandarani)'s classes]. Qom: Author. (in Arabic).
55. Najjashi, A. A. (1996). *Al-Rejal*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Publishing. (in Arabic).
56. Rashti, M. H. A. (n.d.). *Bada'i al-Afkar*. Qom: Aal Al-Bayt Institute. (in Arabic).
57. Sabzevari, M. B. (n.d.). *Zakhirah al-Maaad fi sharh al-Ershad*. Qom: Aal Al-Bayt Institute. (in Arabic).

58. Sarabi Tabrizi, M. (n.d.). *Al-Mohakemat bayn al-E'lam* [The compilation of the lessons of Sheikh Abdonnabi Iraqi's classes]. Qom: Matbaa. (in Arabic).
59. Tabatabaei, S. A. (1983). *Riyaz Al-Masa'il fi bayan al-Ahkam be al-Dala'il*. Qom: Aal Al-Bayt Institute. (in Arabic).
60. Tabatabaei Qomi, S. N. (1983). *Thalath Rasael*. Tehran: Mahallati Publishing House. (in Arabic).
61. Vaez Hosseini Behsoudi, S. M. S. (2001). *Mesbah al-Osoul* [The compilation of the lessons of Ayatollah Sayyed Abolghasem Khoei's classes]. Qom: Davari Publishing House. (in Arabic).
62. Vahid Behbahani, M. B. (2003). *Masabih al-Zalam fi sharh-e sharia al-Islam*. Qom: Allameh Mojaddad Vahid Behbahani Institute. (in Arabic).
63. Qodsi, A. (2007). *Anwar al-Osoul* [The compilation of the lessons of Ayatollah Makarem Shirazi's classes]. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (A.S) School. (in Arabic).
64. Qouchani, A. (2008). *Taalighah al-Qouchani ala Kefayah al-Osoul*. Setareh Publishing House. (in Arabic).

